



گذری بر اندیشه و میزان عشق و محبت شیخ راغب حرب  
به امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران

## شیخ شهید بیعت با امام خمینی را وظیفه شرعی می‌دانست

درآمد

شکی نیست که شیخ الشهدای مقاومت اسلامی لبنان شیخ راغب حرب یکی از رهبران جنبش اسلامی است که به امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران عشق می‌ورزید و ایشان را رهبری خردمند و واجب‌الاطاعه می‌دانست. باران و نزدیکان شیخ راغب نقل کرده‌اند که ایشان به قدری شیفته شخصیت امام خمینی (ره) شده بود که همواره در همه سخنرانی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه برای طول عمر امام و موفقیت انقلاب اسلامی و تداوم آن دعا می‌کرد.

آمریکایی و اسلام درباریان مورد مقایسه قرار می‌دهد و تاکید می‌کند که اسلام آمریکایی چیزی از مشکلات مسلمانان را حل نمی‌کند. برادران مسلمانان در ایران که در حال حاضر درگیر جنگ تحمیلی از سوی همه کشورهای دنیا و همه قدرت‌های استکباری هستند و با قدرت‌های جهانی روبرو هستند، اگر خواسته باشیم میان برادران ایرانی و خودمان مقایسه کنیم میان خانواده و خودمان در این کشور و دیگر کشورهای جهان و میان آنهایی که خداوند پیروزی را به طور مداوم بر آنان نازل می‌کند مقایسه کنیم، مشاهده می‌کنیم آنان خداوند را خوب شناختند. ولی ما خداوند را خوب نشناختیم. دین خود را خوب شناختند ولی ما دین خود را خوب نشناختیم. پیامبر (ص) را شناختند ولی ما پیامبران را نشناختیم. امامان را شناختند ولی ما امامان خود را نشناختیم، ما گواهی می‌دهیم که خدایی جز خدای یگانه نیست ولی رفتارمان و عملکردمان بر خلاف آن گواهی می‌دهد. رفتارمان می‌گوید که خدایان زیادی غیر از خدای

ذوب شده است. شهید راغب حرب سه هفته پیش از یورش نظامی اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ در جریان خطبه نماز جمعه حسینیه روستای حبشیت، شیعیان لبنان را به جانبداری و همبستگی همه‌جانبه با انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) فراخواند. از رخداد‌های انقلاب اسلامی با شفافیت سخن گفت و به تلاش‌های مذبحخانه عوامل استکبار جهانی برای تضعیف انقلاب اسلامی و رهبری انقلاب به شدت حمله کرد. هرچند که این تلاش‌ها به نام اسلام و زیر لوای آن صورت گیرد. شیخ شهید گفته است: آگاهی و شناخت انسان از مسائل و مشکلات زندگی و تلاش برای برطرف نمودن این مشکلات هر قدر هم که بزرگ باشد، هر قدرتی هر اندازه بزرگ بوده باشد موجب می‌شود ضعیف و نا کارآمد گردد. مهمترین ناآگاهی که مسلمانان دچار آن شده‌اند، ناآگاهی نسبت به شناخت دین و خدا و قرآن و هویت و مفاهیم اسلامی‌شان است. ایشان اسلام راستین و اصیل و حقیقی را با اسلام

شیخ راغب حرب از جمله کسانی بود که با شنیدن خبر پیروزی انقلاب اسلامی خود را متعهد دید با امام خمینی (ره) بیعت کند، و یکی از اولین شخصیت‌های لبنانی بود که با ارسال تلگراف برای امام، با انقلاب اسلامی بیعت کرد و بارها تاکید کرده بود که بر مسلمانان واجب است که با رهبران مسلمان خود بیعت کنند و پیوسته حدیث منسوب به حضرت رسول الله (ص) را قرائت می‌کرد که می‌فرموده‌اند: هر کسی بپذیرد و بیعتی در گردنش نباشد مانند افراد نادان و گمراه مرده است. ایشان همواره تاکید می‌کرد که در یک مرحله تاریخی و معاصر امام خمینی زنده‌گی می‌کند. و این امام معیارها و ارزش‌ها و راهکارها را برای مسلمانان مشخص کرده است. معیارهای ایمان و نفاق را مشخص نموده است. شیخ راغب بارها گفتار استاد شهید آیت‌الله سید محمد باقر صدر درباره امام خمینی (ره) را به مردم به ویژه به روحانیون لبنانی گوشزد می‌کرد. مرحوم شهید صدر به شاگردان و مریدان خود توصیه کرده بود که در امام خمینی ذوب شوند، آنگونه که ایشان در اسلام

مهدی موعود (عج) و نایب بر حق ایشان امام خمینی (ره) است. کسی که با این مرد بیعت نکند، راه هدایت را گم کرده است. ما به استعمارگران می‌گوییم: اسلامی که نتوانستید با موشک و توپ خفه‌اش کنید نخواهید توانست با عمامه آن را خفه کنید. ما تا زمانی با ولایت فقیه بیعت می‌کنیم که بر اساس دین خدا و خط پیامبر حرکت کند. این دیدگاه شخصی نیست بلکه دیدگاه اسلام است.

شیخ الشهدای مقاومت اسلامی با این نگرش و با این اخلاص به امام خمینی و انقلاب اسلامی نگاه می‌کرد. انقلاب را سر آغاز اولین گام برای پایان دوران غربت و طلوع فجر آزادی می‌دانست. رسالت و هدف انقلاب را در پرتو رسالت و اهداف پیامبران و امامان می‌دانست. از پیروزی‌های پی در پی نیروهای اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل ابراز خرسندی می‌کرد. همواره مشتاق بود در اولین فرصت به سرزمین ایران سفر کند. در جریان چند همایش اسلامی و سیاسی به ایران آمد و با امام خمینی (ره) دیدار کرد. هرگاه به لبنان باز می‌گشت اخبار متنوع و خاطرات دلنشین همراه می‌برد. خاطرات خود را برای مشتاقان و طرفداران جمهوری اسلامی تعریف می‌کرد.

بی تردید می‌توان شهید راغب حرب را در آن مرحله سفیر و سخنگوی انقلاب معرفی کرد. چرا که مردم لبنان و ملت‌های منطقه را پیوسته به طرفداری از انقلاب اسلامی و پایبندی به خط مشی اسلام اصیل و رهبری انقلاب فرا می‌خواند. خود را نماینده و زبان حال انقلاب می‌دانست. با استدلال‌های قوی و منطقی توانست تا حد زیادی مردم را پیرامون انقلاب و رهبری خردمند و شجاع آن گردآوری کند.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران وضعیت مسلمانان در بسیاری از کشورهای اسلامی، از جمله در لبنان نابسامان و ناپایدار بود. مسلمانان راهکار سیاسی روشن و خط مشی مشخصی برای خود که جایگاهشان را در قالب تحولات جهانی مشخص کند نداشتند. مسلمانان نه فقط در زمینه دگرگونی تحولات جهان تأثیر گذار نبودند بلکه همواره تحت تأثیر این تحولات قرار می‌گرفتند. در بسیاری اوقات موضوع گیری‌های مسلمانان خودسرانه، ناپخته و انفعالی صورت می‌گرفت. برای مثال کسانی که با جریانات چپ مخالف می‌کردند ناخودآگاه به دامان راستگرایان کشیده می‌شدند و یا بالعکس. فرد مسلمان در میان این دو جریان سرگردان بود. راه‌هایی را جستجو می‌کرد تا آزادی و آینده‌اش را تأمین کند. تا آن زمان یک رهبری اسلامی که بتواند آرمان‌ها و خواسته‌های مسلمانان را تأمین نماید، و جامعه را رهنمون سازد وجود نداشت. اما دیری نپایید که جهان اسلام پس از سالها ضعف و از هم پاشیدگی از نعمت عظیم رهبری الهی بهره‌مند شد و معادلات سیاسی بین المللی را دگرگون کرد.

با وجودی که شیخ راغب حرب یکی از شاگردان متعدد شهید آیت الله سید محمد باقر صدر به شمار می‌رفت و از اوضاع جوامع اسلامی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی شناخت داشت. اما به تنهایی توان ایجاد دگرگونی در جامعه لبنان را نداشت. چرا که تعداد جوانان انقلابی که بتوانند با ایشان همراه شوند اندک بود. شیخ راغب حرب از چند سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یکی از پیشگامان و نظریه پردازان نهضت جهانی اسلام به شمار می‌رفت. اندیشه‌ها و شعارهایی که مطرح می‌کرد، با شعارهای انقلاب اسلامی از جمله لزوم برقراری حکومت اسلامی، وحدت مسلمانان، آزادی قدس و جنگ با عوامل استکبار جهانی و تشکیل جبهه جهانی مستضعفان مطابقت داشت.

هنگامی که از امام خمینی (ره) یاد می‌کرد ایشان را «امیر مسلمانان» می‌نامید. همیشه به مردم توصیه می‌کرد که اسلام تنها راه حل رهایی از مشکلاتی است که بیگانگان بر سر راه آنان قرار داده‌اند. این جمله معروف از او به جا مانده که

را شرح بدهم. پیروزی‌های چشمگیر آنان زبان را بند می‌آورد. به یاری خداوند به زودی پیروزی‌های جدید و آمارهای تکان دهنده درباره آنان خواهید شنید.

شیخ راغب حرب در ادامه خطبه نماز جمعه جیشیت نفاق را مشکل دوم جامعه اعراب معرفی کرد و گفت: من خیلی درباره منافقین صحبت کرده‌ام. منافق نمی‌تواند در فضای علم زندگی کند. دوست دارد در فضای نادانی و ناآگاهی به سر برد. ابو الحسن بنی صدر این منافق بزرگ اگر چه پشتیبانان بزرگی داشت اما نتوانست در ایران زندگی کند. خداوند ماهیت او را آشکار ساخت. مردم ایران بصیرت و نیت پاک داشتند. در حالی که نفاق در میان ما فراوان است، مدعیان ما منافق هستند آنان پشت پرده نادانی ما پنهان می‌شوند. آیا لبنان در چهل سال گذشته یک حاکم غیر منافق به خود دیده است؟ ناآگاهی و نفاق موجب شده افراد پست و فاسد بر ما حکومت کنند. آزادگان را به بردگی بکشند. باید با آگاهی و علم و اخلاص به اسلام بازگردیم. باید مصلحت خود را بدانیم، چه کسانی پست‌های حکومتی را در دست گرفته‌اند؟ چه کسانی ولی امر ما هستند؟ ما باید بدانیم هر کسی به فردی غیر از امام خمینی این بنده رستگار خدا، پیروی کند گمراه است. از دو هفته پیش اتفاقی افتاد که ممکن بود برای امام و انقلاب خطرناک باشد و هفته پیش درباره آن صحبت کردم و اکنون باید درباره آن صحبت کنم زیرا بسیاری از این مسئله ناراحت می‌شوند. در طول تاریخ بیشتر ستمگران و مزدوران درباری لباس تقوی بر تن داشتند. اما تقوی چیزی نیست که ما آنرا نشناسیم... ما حد و مرز تقوی را نمی‌دانیم... تقوی یعنی ترس از خدا و توجه به آنچه که فقط نزد خداست و احترام به اولیاء الله است...

شیخ الشهدای مقاومت اسلامی لبنان اضافه کرد: چه می‌شود درباره گروهی صحبت کنیم که بر امام عادل خود خروج کرده‌اند؟ حتی اگر این گروه عالم بوده باشند. ما چون



یگانه وجود دارد. گواهی می‌دهیم که حضرت محمد (ص) بنده و فرستاده خداست ولی رفتارمان گواهی می‌دهد که به جای رسول خدا (ص) طاغوتیان و ستمگران پیامبران ما هستند. چرا باید اینطور باشیم؟ برای اینکه در عقل و دل ما اشکال‌هایی وجود دارد و شناخت ما آلوده به جهل است. ما خداشناس نیستیم لذا نمی‌دانیم چگونه با آن تعامل کنیم... چگونه او را عبادت کنیم... چگونه از او اطاعت کنیم... از مصیبت او بپرهیز کنیم... به هر بهانه‌ای شده می‌خواهیم از واقعیت‌های دردناک و تلخ زندگی فرار کنیم... اما هرگاه یکی از برادران ایرانی را می‌بینیم، ملاحظه می‌کنیم که همه صفات خدا و ارزش‌های الهی را به خوبی درک می‌کند.

روزی از طریق رادیو به سخنان خطیب نماز جمعه تهران گوش می‌دادم. ایشان نقل می‌کرد که با چند تن از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جبهه جنگ تحمیلی دیدار کرده است. ایشان چگونگی تیراندازی رزمندگان را شرح می‌داد و می‌گفت که این خدا بود که نشانه‌گیری رزمندگان را هدایت می‌کرد. من با شنیدن این سخنان احساس کردم که نور خدا آنچنان در قلب رزمندگان ایرانی نفوذ کرده که می‌توانند آیات و معجزات خدا را به راحتی درک کنند. آنان با تمام وجود آیه «ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی» را درک کرده‌اند.

شهید راغب حرب خطاب به نمازگزاران روستای جیشیت افزود: باید اعتراف کنیم که چیزی نمی‌دانیم... علمای ما نیز باید اعتراف کنند که چیزی نمی‌دانند... من یک بار که به ایران رفته بودم و در نماز جمعه شرکت کرده بودم با تمام وجود حس کردم که ملت‌های عرب، از خدا و پیامبر و امامان، شناخت کافی ندارند. اما در ایران مردم را دیدم که با چشم فقیهین به مفاهیم اسلامی نگاه می‌کنند. در حالی که ما هنوز جایگاه مرجعیت دینی را نمی‌دانیم. ولی امر را نمی‌شناسیم. گویی همه چیز نزد ما بیهوده است.

وی افزود: کسی که می‌خواهد با زبان حق سخن بگوید احساس غربت می‌کند. نمی‌دانم این ناآگاهی تا چه وقت ادامه خواهد یافت؟ چرا برای خارج شدن از این وضع موجود تلاش نمی‌کنید؟ چرا فرزندان‌تان را به مساجد نمی‌آورید تا چیزی یاد بگیرند؟ ما چند روزی میان شما هستیم بعد هم می‌رویم و دیگران هم همینطور... درباره برادرانمان در ایران چه می‌توانم بگویم؟ واقعاً نمی‌توانم پیروزی‌های آن‌ها

**شهید راغب حرب سه هفته پیش از یورش نظامی اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ در خطبه نماز جمعه حسینیه روستای جبشیت، شیعیان لبنان را به جانبداری و همبستگی همه جانبه با انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) فراخواند.**

جایگاه دینی امام خمینی (ره) را نمی‌شناسیم به بیراهه می‌رویم. ما به این بهانه که نمی‌دانیم نائب الامام است از ایشان اشکال می‌گیریم. می‌گوییم او یک روحانی معمولی است. اما مسئله چیز دیگری است. مسئله خروج یک انسان بر رهبر عادل مسلمانان است. با نام عمامه می‌خواهند اسلام را خفه کنند، آیا استعمار غیر از روحانی‌ها ما برای خفه کردن اسلام توان دیگری می‌تواند داشته باشد؟ او هشدار داد: عمامه‌ای که به (امام) خمینی لبیک نگویید آن را به زمین می‌اندازیم و می‌سوزانیم. وقتی به مردم می‌گوییم هر کسی که بمیرد و در گردنش بیعتی نباشد نادان و ناآگاه مرده است. با چه وسیله‌ای یک روحانی را توجیه کنیم که ناآگاه نمیرد؟ من نمی‌خواهم درباره یک نظریه و یا یک طرز فکر صحبت کنم. وقت آن رسیده که ببینیم حدود خدا کجاست... این است حدود خدا... رهبر بزرگ ما حضرت



داشتیم. انسان زمانی که یک چیزی را که دوست دارد و برای تحقق آن جانفشانی می‌کند، آن را در بهترین حالت و زیباترین شکل می‌بیند. هرگاه که تصور او تحقق پیدا کرد امکان ندارد از دسترس او پنهان شود.

شیخ رافع می‌افزاید: در رابطه با موضوع حکومت اسلامی باید گفت آنچه که تصور می‌کردیم بدون هیچ کم و کاستی نمایان شد. به راستی که انقلاب اصالت و زیبایی تجسم فکر را پدیدار کرد. این انقلاب در معرض چندین توطئه قرار گرفته، که اگر لبنان در معرض یکی از آنها قرار می‌گرفت مسلمان فرو می‌پاشید. ولی با این وجود انقلاب پایدار ماند، و در همه عرصه‌ها توانست به پیروزی برسد.

شیخ الشهید پایداری ملت ایران در برابر تحریم‌های اقتصادی آمریکا و متحدانش را ستودنی خوانده و همواره تأکید می‌کرد که ملت ایران با رهنمودهای رهبری و با فداکاری جوانان مسلمان فعال در عرصه‌های کار و تولید و کشاورزی و صنعت قدم گذاشت و توانست در مدت کوتاهی بسیاری از نیازهای خود را بر آورده سازد. چرا که ملت ایران یک ملت زنده است. در مقابله با شرایط سختی که در آن به سر می‌برده‌ایم ما را به اعتماد به نفس تشویق کرد. از اعتماد به سازمان‌های بین‌المللی همچون شورای امنیت و اتحادیه عرب بر حذر می‌ساخت. به ما می‌گفت

بر خدای یگانه تکیه کنید. این خدای بزرگ است که به ما وعده پیروزی داده است. ایشان می‌گفت: به امام روح الله خمینی (ره) نگاه کنید که چگونه با اعتماد بر خدا و با اخلاص در برابر نیروهای کفر و شرک ایستاده است. و خداوند پیروزی و عزت را نصیب او ساخت، این بنده صالح و درستکار که همه دنیا خواستند او را دلیل کنند ولی خداوند عزت را برای او ارزانی داشت و عزیز گرداند و هیچ کس نتوانست بر او غلبه کند.

شیخ رافع همچنین همواره مخالفت خود را با جنگ

می‌گوید: «هیچ طرحی برای آینده سازی پذیرفتنی نیست مگر در سایه اسلام». او پیوسته رهنمودهای هدمند ارائه می‌داد و از طریق آن سعی می‌کرد اسلام را در دل و فکر مردم جا بیندازد و مردم را شایسته آن سازد تا همه جوانب زندگی آنان را فرا گیرد. به همین دلیل اولین کسی بود که به پیام انقلاب اسلامی پاسخ مثبت داد، و با آن همگام شد. از پیروزی‌های پی در پی در جبهه‌های جنگ تحمیلی خوشحال می‌شد. شیخ رافع به حق یکی از اولین بیعت کنندگان با امام خمینی (ره) بود. در یکی از خطبه‌های نماز جمعه حبشیت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایراد کرد گفت: من از تریبون این حسینیه حمایت کامل خود را از انقلاب اسلامی ایران اعلام می‌کنم. با امام خمینی (ره) امیر مسلمانان بیعت می‌کنم.

شیخ رافع حرب معتقد بود که امام خمینی (ره) آرزو و آرمان مسلمانان را در زمینه برپایی حکومت اسلامی برآورده ساخته است. جمهوری اسلامی ایران نخستین گام برای تحقق حکومت یکپارچه اسلامی است که همه کشورهای اسلامی را آزاد و متحد خواهد ساخت. ایشان همواره تأکید می‌کرد که ما بخشی از ایران و ایران بخشی از ماست. با رسانه‌های مزدور که واقعیت‌ها را وارونه جلوه می‌دادند مبارزه می‌کرد.

شیخ الشهیدای مقاومت اسلامی لبنان معتقد بود که اسلام دو بار در غربت به سر برده است. اولین دوره غربت اسلام قبل از فتح مکه بوده است. دومین دوره غربت اسلام در پی فروپاشی حکومت عثمانی به دست کشورهای استعمارگر و از هم پاشیدگی جهان اسلام آغاز شده است. اما با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برپایی نظام جمهوری اسلامی غربت اسلام پایان یافت.

شیخ شهید آنقدر با انقلاب اسلامی پیوند خورد که در همه مناسبت‌ها از مردم ایران و رهبری انقلاب آن تجلیل می‌کرد. برای این که مردم را بر خط مشی آن تربیت کند همیشه از انقلاب به عنوان نشانه راه و سرمشق یاد می‌کرد. به ویژه که می‌گفت نقش مشابهی در انتظار اوست و این که ما در جبهه مقابله با استکبار جهانی و توطئه‌های آن هستیم، و در ابتدا بهتر است از تصویر زیبایی که از خوشحالی و افتخار خود نسبت به پیروزی انقلاب ابراز کرد آشنا بشویم به طوری که از آن به فجر نور تعبیر کرد. هنگامی که از تهران دیدن می‌کرد و از برپایی دولت اسلامی سخن می‌گفت تأکید می‌کرد که دولت اسلامی یک آرزو در خیال ما بود که در عصر حاضر تحقق یافت. ما بر اساس آیات قرآن و شریعت اسلامی و سنت پیامبر انتظار پیروزی انقلاب اسلامی را



فی ما وقع». شیخ خاطر نشان می‌ساخت که پرچم نبوی هیچ وقت به زمین نخواهد افتاد، و تا زمانی که امام مهدی (عج) آن را به دست گیرد همچنان سربلند و برافراشته خواهد ماند.

بطور خلاصه می‌توان گفت که شیخ الشهید تریبون حسینیه حبشیت و سایر تریبون‌های منطقه را به مراکز تبلیغ برای انقلاب اسلامی تبدیل کرده بود. با ارائه دیدگاهها و موضع گیری‌های برجسته و آشکار و صادقانه با یأس و ناامیدی و مخدوش کردن انقلاب و رهبری آن مبارزه می‌کرد. با آزادی سرزمینهای ایران و شکست‌های پی در پی نیروهای متجاوز، موضع شیخ و سایر طرفداران انقلاب اسلامی شکوفا می‌شد. شیخ در مواضع خود قاطعانه‌تر سخن می‌گفت. پیروزی‌های سپاهیان اسلام در جبهه‌های جنگ را مانند پیروزی‌های مسلمانان صدر اسلام توصیف می‌کرد. همیشه سعی می‌کرد از اخبار و رویدادهای روزانه ایران آگاه شود. آنچه را که می‌شنید و یا دریافت می‌کرد به مردم منتقل می‌ساخت. شیخ رافع ایرانیان را مردمی خستگی‌ناپذیر و شجاع معرفی می‌کرد که هیچگاه ناتوان نمی‌شوند، و از موضع اصولی خود عقب نشینی نمی‌کنند. سپس سیمای با عظمت و مظاهر پیشرفته ایران را به قرآن و آفریدگار هستی ربط می‌داد. همیشه می‌گفت این انقلاب زیر سایه خدا برپا شده و شکل گرفته است.

به هر حال شهید شیخ رافع همه امکانات و توانایی‌ها و موهبت‌های فکری خود را در راه نصرت انقلاب اسلامی به کار گرفت. از مواضع عادلانه آن به شدت دفاع کرد. پیوسته از دشمنان انقلاب اسلامی بی‌زاری می‌جست. خواه دشمنان خارجی بودند یا رژیم‌های منطقه یا احزاب و گروهک‌های مخالف داخلی که همیشه آنان را مورد سرزنش و نکوهش قرار می‌داد. با صراحت و بی‌پروا نام آنها را می‌برد بدون این که از کسی یا از چیزی بترسد. به عقیده ایشان انقلاب اسلامی ثمره جهاد مؤمنان و ثمره خون اولیاء و صالحان و تجسم آرمان مستضعفان و محرومان است و باید به آن ارج نهاد و در حفظ و تقویت آن کوشا بود.

به راستی می‌توان گفت شیخ رافع حرب یک انقلاب متحرک مانند انقلاب اسلامی ایران بود که دغدغه مسلمانان و مستضعفان را با خود حمل می‌کرد.

**شیخ پایداری ملت ایران در برابر تحریم‌های اقتصادی آمریکا و متحدانش را ستودنی خوانده و همواره تأکید می‌کرد که ملت ایران، با رهنمودهای رهبری و فداکاری جوانان فعال در عرصه‌های کار و تولید و کشاورزی و صنعت قدم گذاشت و توانست در مدت کوتاهی نیازهای خود را بر آورده سازد.**

ظالمانه‌ای که صدام به نمایندگی از سوی آمریکا بر ضد جمهوری اسلامی تحمیل کرده بود و حمایت و پشتیبانی کامل خود را از انقلاب اسلامی در برابر گروهک‌های ضد انقلاب بیان می‌کرد. گرچه سخن گفتن در سایه اشغالگران صهیونیست آزاد نبود، و ابزار عقیده و بیان، شجاعت می‌طلبید.

از سوی دیگر رژیم بعثی در مناطق مختلف لبنان مزدورانی را استخدام کرده بود که بر ضد نیروهای مؤمن دست به جنایت می‌زدند. اما با این وجود شیخ رافع دیدگاه‌های خود را به طور آشکار بیان می‌کرد. با صلابت و سربلندی و شهامت ایستادگی کرد. از جمله نظراتی که در مورد جنگ تحمیلی ابراز می‌کرد دیدگاه امام بود که گفته بود «الغیر